فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹

بررسی تطبیقی نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در کشورهای ایران و کره جنوبی

امیرنظام براتی[۱]؛ محمدحسین زارعی[۲] ؛ غلام‌حسین مسعود[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

چکیده

فساد یک پدیده پیچیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی است که باعث ضعف نهادهای دموکراتیک می‌گردد و درنهایت، مشکلات زیادی را برای حکمرانی به وجود می‌آورد. مبارزه با فساد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های استقرار حکمرانی خوب به شمار می‌رود. در مبارزه با فساد، عوامل مختلفی از قبیل: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی نقش دارند؛ اما با توجه به بی‌طرفی جوامع مدنی، مشارکت آنان در مبارزه با فساد می‌تواند از موفقیت قابل‌توجهی برخوردار باشد.

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی به بررسی نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در کشور ایران و کره جنوبی می‌پردازد.

یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که در کشور کره جنوبی، جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد، اثرگذاری قابل‌توجهی داشته‌اند و توانسته‌اند موفقیت شایانی در به چالش کشیدن فساد کسب نمایند. درصورتی‌که در ایران، مبارزه نهادهای مدنی تخصصی ضد فساد، هنوز حالت عملی به خود نگرفته‌اند و یا اصولاً چنین نهادهایی، برخلاف تصویب قانون کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با فساد و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و به رسمیت شناختن نقش این جوامع مدنی در قوانین مذکور، نه‌تنها نقشی در مبارزه با فساد ندارند؛ بلکه هنوز تأسیس نیز نگردیده‌اند؛ ازاین‌رو ضروری است برای موفقیت در این مبارزه پیچیده، نقش این نهادهای غیردولتی از لحاظ رفتاری و ساختاری نیز به‌رسمیت شناخته شوند.

کلیدواژه‌ها: جامعه مدنی، مبارزه با فساد، کنوانسیون سازمان ملل، فساد

---

۱. استادیار حقوق دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره)، (نویسنده مسئول) Nezambarati@gmail.com
۲. دانشیار حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، zareimh62@gmail.com
۳. استادیار حقوق دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، iaun.ac.ir@gh.masoud

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

مقدمه

فساد یک پدیده پیچیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی است که در بیشتر کشورها به میزان کم‌وزیاد وجود دارد. فساد، آسیب‌های زیادی را به حکمرانی وارد می‌کند. درحقیقت، فساد باعث تحلیل نهادهای دموکراتیک می‌شود؛ رشد اقتصادی را کند می‌کند و باعث بی‌ثباتی دولت می‌گردد و با تحریف فرایند انتخابات، به بنیان نهادهای دموکراتیک، حمله و از حاکمیت قانون جلوگیری می‌کند.

با ازدیاد فساد، توسعه اقتصادی از رشد بازمی‌ماند و موجب دلسردی «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»[1] می‌گردد (UNODC, 2014). از اواسط دهه ۱۹۹۰، فساد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی و سیاسی کشورها در سرتاسر جهان بدل گردیده که این مشکل، مشمول تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته غربی نیز بوده است(Ampratwum, 2008). بر اساس تخمین بانک جهانی، هزینه جهانی فساد در حدود هزار میلیارد دلار در هرسال است(WorldBank, 2006, p. 171) .

بنا به‌ضرورت مبارزه با فساد اقتصادی و ارتقای سلامت اداری در دهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل شد و بر اساس اساسنامه مربوطه، موظف به مبارزه با فساد مالی و اقتصادی از طریق اقدام همه‌جانبه قوای سه‌گانه به‌خصوص دو قوه مجریه و قضاییه گردید؛ اما باآنکه حدود ۱۴ سال از فعالیت این نهاد می‌گذرد؛ به نظر می‌رسد این سازمان و دیگر سازمان‌های متکثر در مبارزه با فساد مالی نتوانسته‌اند وظایف خود را به‌گونه‌ای شایسته انجام دهند. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت نهادهای حاکمیتی در مبارزه با فساد، عدم تأسیس نهادهای مدنی تخصصی در مبارزه با مفاسد مالی است و چنین نقیصه‌ای، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های عدم کارآمدی و اثربخشی نهادهای حاکمیتی در مبارزه با مفاسد مالی بوده است. به باور اغلب صاحب‌نظران، فرایند پیشگیری و مهار مفاسد مالی در صورتی به سرمنزل مقصود می‌رسد که اولاً، راه و روش منطقی و علمی برای تحقق آن انتخاب شود؛ ثانیاً، یک عزم و اراده ملی در دو سطح حاکمیت و جامعه مدنی برای پیاده کردن آن شکل بگیرد. مشارکت جامعه مدنی، یکی از مهم‌ترین محورهای استقرار حکمرانی خوب به شمار می‌آید و این مشارکت، نیازمند حضوری آگاهانه، سازمان‌یافته، آزادی: احزاب و جمعیت‌ها، اجتماعات(قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۷۵, ۱۳۵۸) و آزادی بیان (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۱۷۵, ۱۳۵۸) و از دیدگاهی دیگر، به معنی جامعه مدنی سازمان‌یافته است (ESCAP, 2006) .

1. Foreign Direct Investment

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

ازآنجایی‌که بیشتر پرونده‌های فساد مربوط به مقامات عمومی و شرکت‌های خصوصی است؛ جامعه مدنی به‌عنوان یک بازیگر مستقل و بی‌طرف، می‌تواند منافع عمومی را نمایندگی و از آن محافظت نماید؛ ازاین‌رو، جامعه مدنی می‌تواند به‌صورت اثرگذاری مبادرت به افشای پرونده‌های مرتبط با فساد کند و فشارهای لازم را (به بخش خصوصی و دولتی) جهت اعمال اصلاحات لازم وارد نماید (CleanGovbiz, 2013). در این نوشتار تطبیقی، کره جنوبی به عنوان کشوری که توانسته است گذار موفقیت‌آمیزی از دولت‌محوری در ابعاد مختلف اعم از: اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشد، انتخاب گردیده است. در سه دهه اخیر، جوامع مدنی حتی در قانون‌گذاری در مبارزه با فساد و نهادینه‌نمودن شفافیت، نقشی اساسی را در این کشور برعهده داشته‌اند. چنین فرایندی موجب شده است که تعامل دولت کره جنوبی با جامعه مدنی و بخشی خصوصی گسترش پیدا کند؛ به طوری که مهم‌ترین اقدام این دولت به عنوان دولتی غیردخالت‌گرا، محدود و ناظر بر اقتصاد؛ موجب شده است که این کشور به کشوری پیشرفته در تمام ابعاد تبدل شود. در بحث انتخاب کشور کره، علاوه بر علاقه نگارنده به مطالعه تطبیقی در مورد توسعه و حقوق توسعه در این کشور به دلیل توسعه روزافزون ساختارهای مختلف مدنی و غیردولتی و نقش آنان در ایجاد دولت محدود و ناظر، به نظر می‌رسد در بعد مبارزه با فساد می‌توان از تجربیات و اقدامات این کشور در جهت جلوگیری از آزمون و خطا استفاده کرد.

اما سؤال اساسی اینجاست که نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد در دو کشور ایران و کره چیست؟ به‌راستی آسیب اساسی جامعه مدنی ایران در مبارزه با فساد چیست و چگونه می‌توان جامعه مدنی را در مبارزه با فساد تقویت نمود؟

در این مقاله، نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد، با رویکرد کنوانسیون سازمان ملل متحد و مقررات بین‌المللی و داخلی موردبررسی قرار می‌گیرد و سپس یک بررسی تطبیقی اجمالی از نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در دو کشور ایران و کره جنوبی ارائه خواهد گردید.

۱- مفاهیم نظری تحقیق

۱-۱- مفهوم فساد

فساد از نظر لغوی دارای معانی مختلفی از قبیل: تباه‌شدن، ظلم و ستم (دهخدا, ۱۳۹۳)، تحصیل پول و مقام و غیره از راه‌های نادرست و سوءاستفاده است (المعانی, ۲۰۱۴). فساد در اصطلاح دارای تعاریف مختلفی هست. در ماده یک قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

تصریح گردیده است که: «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد؛ یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید؛ نظیر: رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی به‌عنوان فساد تلقی گردیده است(قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۱۳۹۰). در تعریف دیگری، فساد به‌عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع شخصی تعریف شده است (AnwarShah, 2004) درمجموع می‌توان گفت که فساد، یک رفتار رانت‌جویانه است و درحقیقت، فساد اقتصادی؛ معامله‌ای بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است که از طریق آن، ثروت عمومی به‌طور نامشروع به منافع خصوصی نامشروع تبدیل می‌شود.

۲-۱- مفهوم جامعه مدنی

می‌توان گفت جوامع مدنی دربرگیرندۀ گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها و تشکل‌هایی است که به‌منظور بررسی و نقد مسئولیت‌پذیری دولت شکل می‌گیرند. درحقیقت، می‌توان گفت جامعه مدنی به‌عنوان جامعه واسطه بین مردم و دولت قرار می‌گیرد و بخشی از دولت به‌حساب نمی‌آید؛ بلکه در پی احقاق حقوق مردم و آرمان‌های خود است. جوامع مدنی به‌عنوان نهادهایی خارج از ساختار دولت، درصدد بازستاندن حقوق اولیه شهروندی از حکومت هستند. از دیدگاه نگارندگان، در بحث مبارزه با فساد، جامعه مدنی به دو گروه تقسیم می‌گردد: جامعه مدنی عمومی و جامعه مدنی تخصصی، که در این مقاله، تمرکز بر جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد است که هدف اصلی آنان، ایجاد جامعه‌ای پاک و عاری از فساد و فلسفه تأسیس آنان نیز به‌چالش کشیدن فساد با استفاده از ظرفیت جوامع مدنی است.

۲- بررسی مشارکت مؤثر جامعه مدنی در مبارزه با فساد

تجربه اکثر کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که مبارزه علیه فساد بدون پشتیبانی، مشارکت و هوشیاری جامعه مدنی نمی‌تواند به پیروزی نائل گردد.رسانه‌ها، انجمن‌های مدنی، بازرگانی و دیگر بازیگران غیردولتی و مهم‌تر از همه جامعه مدنی تخصصی ضد فساد، در

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

نظارت دقیق بر عملکرد دولت و نهادهای عمومی، سازماندهی رسمی و نهادسازی در مبارزه با فساد، می‌توانند نقش‌آفرینی نمایند؛ بنابراین، هرچه بتوان نقش نهادها و تشکل‌های مردم‌نهاد را در امر مبارزه با فساد افزایش داد؛ نتایج بهتری می‌توان کسب کرد و هرچه میزان اعتماد و اتکاء به مردم بیشتر شود؛ همکاری آن‌ها در مبارزه با فساد افزایش پیدا می‌کند. تجربه کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته نشان داده است که به‌رسمیت شناختن و زمینه‌سازی در افزایش نظارت نهادهای خودجوش برخاسته از آحاد ملت، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین ابزارهای مبارزه با فساد هست (خطیه سرا،ابوالفضل, ۱۳۸۷, ص. ۲۴۵). مشارکت مؤثر جامعه مدنی در مبارزه با فساد بستگی به سه عامل اساسی دارد دارد (Secretary-General of theOECD, 2003)

۱- وجود چارچوب قانونی لازم که «نهادهای جامعه مدنی»[1] را قادر سازد بدون محدودیت سیاسی و قانونی در مبارزه با فساد مشارکت نمایند.

۲- رضایت و اراده دولت‌مردان برای به‌کارگیری مؤثر جامعه مدنی؛

۳- درگیری مؤثر و داوطلبانه جوامع مدنی در مبارزه با فساد.

بنابراین فساد وقتی کنترل می‌گردد که تحمل‌پذیری شهروندان در مورد آن کاهش پیدا کند و نهادهای مردم‌نهاد، از طریق پایش و نظارت بر نهادهای عمومی و دولتی در مبارزه با فساد مشارکت نمایند. از دیدگاه بانک جهانی، ائتلاف ملی و یا کمپین‌های مبارزه با فساد با مشارکت جامعه مدنی و استقرار دولت باز و شفاف از ارکان اساسی مبارزه با فساد تلقی می‌گردد که درنهایت می‌تواند زیرساخت‌های حکمرانی خوب را نهادینه نماید (World Bank, 2014, p. 5) ؛ همچنین برای به‌سرانجام رسیدن مبارزه با «مفاسد سازماندهی‌شده»؛[2] اراده سیاسی، تعهد رهبران سیاسی و مطالبه‌گری شهروندان و جامعه مدنی امری بسیار ضروری است. از دیدگاه بانک جهانی، اگر اراده سیاسی لازم در کار نباشد؛ جامعه مدنی نیز در مبارزه با فساد با چالش‌های زیادی روبه‌رو خواهد شد (World Bank, 2014, pp. 44-45). به نظر می‌رسد جامعه مدنی با مشارکت شهروندان و با استفاده از ابزارهای زیر می‌توانند در مبارزه با فساد مؤثر واقع شوند:

1. Civil society organizations
2. Systemic

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

۱-۲- «تحقیق و تفحص عمومی»[1] و دسترسی آزاد به اطلاعات

نقش دیگری که جامعه مدنی در مبارزه با فساد بازی می‌کند؛ این است که با تحقیق و تفحص مستقل مانند تفحص‌های مطبوعاتی، بر بازیگران دولتی و نهادهای عمومی نظارت کنند و درنهایت آن‌ها را به پاسخگویی وادار سازند. این‌گونه تحقیق و تفحص، «ابزاری توانمند»[2] برای جلوگیری از فساد است و یک ابزار مهم برای اجرای قوانین و اثرگذاری نهادهای مدنی به شمار می‌آید. دو پیش‌شرط برای تحقق نظارت مردم و اجرایی شدن تحقیق و تفحص مستقل جامعه مدنی بر دولت و بخش عمومی برای مبارزه با فساد وجود دارد: یکی مطالبه‌گری عمومی و آزادی بیان[3] و دیگری دسترسی آزاد به اطلاعات است؛ ازاین‌رو، بدون این دو پیش‌شرط اساسی، حضور جامعه مدنی در مبارزه با فساد با مشکلات اساسی مواجه خواهد بود. در زیر، این دو پیش‌شرط مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱-۱-۲- مطالبه‌گری عمومی و آزادی بیان (در مورد مبارزه با فساد)

در حقیقت، در صورت به‌رسمیت شناختن نقش بازیگران جامعه مدنی، به‌خصوص جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد و استفاده از شیوه‌های «تحقیق و تفحص»[4] نهادهای مدنی از دولت، نهادهای عمومی و فعالان اقتصادی بخش خصوصی؛ و نیز انتشار نتیجه این تحقیق و تفحص می‌توان این بازیگران را با توجه به انتشار واقعیت‌ها در افکار عمومی از ارتکاب به فساد بازدارد. ارتقای این نقش اجتناب‌ناپذیر جامعه مدنی جهت مبارزه با فساد، هنوز در بین رهبران سیاسی برخی از کشورها مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگرفته و یا با استقبال عملی سیاستمداران مواجه نگردیده است. به‌عنوان‌مثال در جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌گونه نهاد تخصصی در مبارزه با فساد هنوز تأسیس نشده است؛ اما در کشور کره جنوبی از سال ۱۹۸۹ با تأسیس نهاد مدنی ائتلاف مردم در مبارزه برای عدالت اقتصادی، تفحص مطبوعاتی و نظارت نهادی مدنی، تخصصی در مبارزه با فساد برای نظارت بر دولت به‌رسمیت شناخته‌شده است.

رسانه‌های مستقل و نهادهای تخصصی مبارزه با فساد از بازیگران بسیار مهم مدنی برای بازرسی دقیق و یا همان تفحص مطبوعاتی از فعالیت نهادهای بخش دولتی، نهادهای عمومی و

---

1. Public Scrutiny
2. Powerful Means
3. Free Discussion
4. Monitoring and Investigating

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

حتی بخش خصوصی می‌باشد. با پایش[1]، نظارت و یا تفحص مطبوعاتی جامعه مدنی از دولت، نهادهای عمومی و حتی بخش خصوصی و افزایش احتمال افشای فساد در رسانه‌ها و انتشار گزارش‌های نهادهای تخصصی مبارزه با فساد، اشخاص عمومی و خصوصی که مبادرت به جرم فساد می‌نمایند؛ به دلیل افزایش ریسک حاصل از افشاگری، دیگر حاضر به تکرار آن نیستند و حتی شاید خود نیز به دلیل مسئولیتی که در برابر افکار عمومی و مردم دارند؛ به کمپین مبارزاتی جوامع مدنی در مبارزه با فساد بپیوندند.گزارش رسانه‌ها و نهادهای تخصصی مبارزه با فساد، کمک زیادی به آموزش مردم و عبرت‌گرفتن مقامات عمومی و خصوصی خواهد نمود؛ اما نکته گوهری که می‌تواند باعث اثرگذاری جوامع مدنی در مبارزه با فساد گردد، آزادی بیان و استقلال مطبوعات و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌باشد؛ ازاین‌رو، گزارش‌های صریح و بی‌طرف و همین‌طور تحقیق و تفحص مطبوعاتی؛ نیازمند آزادی و استقلال مطبوعات و دسترسی آزاد به اطلاعات است. در برخی از کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته، این پیش‌شرط‌ها باعث موفقیت مبارزه علیه فساد گردیده است. به‌عنوان‌مثال، یکی از مهم‌ترین کمک‌هایی که جامعه مدنی در مبارزه با فساد در کشور بلغارستان انجام داده است؛ قرار دادن فساد در فهرست بالاترین نگرانی‌های عمومی است (Center For The study of Democracy, 2005).

۲-۱-۲- دسترسی به اطلاعات

بر اساس فلسفه قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات، مهم‌ترین اهداف قانون دسترسی به اطلاعات؛ ایجاد شفافیت، و پاسخگویی در مؤسسات عمومی و سیر آنها به سمت مردم‌سالاری مشارکتی، ایجاد حق دسترسی اشخاص حقیقی و حقوقی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، ایجاد تکلیف برای مؤسسات مذکور نسبت به انتشار اطلاعات تحت کنترل خود و پیش‌بینی حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات خصوصی، در مواردی که این امر برای اجرای حقوق افراد یا حمایت از آن ضروری باشد.

برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و اصولی در مورد مبارزه با فساد، دسترسی به اطلاعات از اهمیت اساسی برخوردار است. اطلاعات، ابزار قدرت جامعه مدنی تلقی می‌گردد و وقتی به‌صورت آزادانه قابل‌دسترسی نباشد، فساد گسترش می‌یابد. اگر اطلاعات، ابزار قدرت است؛ در آن صورت، دسترسی شهروندان و جامعه مدنی به اطلاعات، موجب توانمند شدن جامعه مدنی در نظارت دقیق بر عملکرد دولت می‌گردد؛ بنابراین، حق دسترسی آزاد به اطلاعات، یک پیش‌شرط بسیار مهم

1.Screening

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

برای توانمندسازی شهروندان برای نظارت و مطالبه‌گری از نهادهای عمومی، دولت، احزاب سیاسی و سیاستمداران منتخب است. وقتی دسترسی آزاد به اطلاعات نباشد؛ کسانی که به اطلاعات دسترسی ویژه دارند؛ می‌توانند از شهروندانی که در پی آن اطلاعات هستند، تقاضای رشوه کنند؛ ازاین‌رو، کارکنان رده‌بالای فاسد دولت و سیاستمداران فساد می‌توانند با استفاده از کنترل و سانسور رسانه‌ها، فعالیت‌های خود را مخفی نگه دارند و این اقدام، مانع از انتشار واقعیت می‌گردد و درنهایت، حقیقت به‌حاشیه خواهد رفت؛ از این منظر، وقتی حق دانستن و دسترسی به اطلاعات انکار گردد و توسط دولت به رسمیت شناخته نشود؛ شهروندان نمی‌توانند تصمیم‌گیرندگان دولتی و نهادهای مربوطه را به پاسخگویی وادار کنند و درحقیقت، حق انتخاب از شهروندان گرفته خواهد شد (Transparency International, 2018).

امروزه در خیلی از کشورها، نهادهای امنیتی و دولتی، با توسل به محرمانه بودن اطلاعات، این حق را با محدودیت مواجه می‌کنند و یا به بهانه‌هایی این‌چنینی، از استقرار و نهادینه شدن آن جلوگیری به عمل می‌آورند. گسترش دسترسی همگانی به اطلاعات، آگاهی عمومی را در موارد زیر افزایش خواهد داد:

الف- آگاهی شهروندان از حقوق حقه خویش؛

ب- آگاهی مردم از اهداف برنامه‌های کاری، بودجه‌ها و شاخص‌های عملکرد دولت؛

ج-آگاهی شهروندان از فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در دولت و نهادهای حاکمیتی.

هدف از گسترش دسترسی همگانی به اطلاعات، افزایش آگاهی عمومی و شفاف‌سازی در مورد وظایف و عملکرد حکومت با هدف پاسخگوتر نمودن تمام ساختارهای آن اعم از سه قوه: مجریه، قضاییه و مقننه است. بر اساس پژوهش «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»، هرچه میزان دسترسی به اطلاعات بیشتر باشد؛ مبارزه با فساد دارای اثرگذاری بیشتری است. در حقیقت، شفاف‌سازی برای اطمینان از اعتبار فرایند نظارت جامعه مدنی، بسیار مهم هست؛ همچنین دسترسی به اطلاعات، یک نیاز ضروری برای نهادهای جامعه مدنی برای «مستندسازی»[1] در مبارزه با فساد است (OECD, 2013, p. 13)؛ بنابراین، هنگامی‌که حکومت، عملکرد خود را در معرض دید جامعه قرار دهد؛ شهروندان اطلاعات لازم را برای حفظ و اجرای حقوق اساسی‌شان خواهند داشت و درنهایت، این شفافیت؛ ابزاری ارزشمند برای کاستن از میزان فساد می‌شود (فرج‌پور،مجید, ۱۳۸۱, ص. ۴۱۶).

1. Documented Contributions

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

بازیابی اعتماد در مؤسسات دولتی و عمومی با دسترسی به اطلاعات امکان‌پذیر خواهد بود. دسترسی آزاد به اطلاعات، اثرگذاری بسیار زیادی در ارتقای شفافیت دارد و شاید مهم‌ترین سلاح در مبارزه با فساد باشد. جامعه مدنی به‌عنوان یک عضو بی‌طرف، با دسترسی به اطلاعات و شفافیت بیشتر در هر بخشی از جامعه، چه محلی و چه در سطح ملی، فساد در دو بخش دولتی و بخش خصوصی را افشاء و از بازتولید آن جلوگیری می‌کند (Eigen, P, 2002,P. 187-201) شاید اغراق نباشد که اگر این دسترسی آزاد به اطلاعات نباشد، مبارزه با فساد راه به‌جایی نخواهد برد.

۳-۱-۲- شیوه‌های مشارکت جامعه مدنی در مبارزه با فساد

جامعه مدنی در زمینه‌های مختلفی به شرح زیر می‌تواند در مبارزه با فساد اثرگذار باشد:

الف-تجزیه‌وتحلیل فساد[1]: جامعه مدنی قادر است دولت را در تجزیه و تحلیل ریشه‌های فساد و توسعه قوانین و سیاست‌گذاری در مبارزه با فساد یاری دهد.

ب- ارتقای اطلاعات و آگاهی جامعه: در سالهای اولیه اجرای قوانین مبارزه با فساد، ارائه اطلاعات و افزایش آگاهی مردم در مورد فساد و راه‌های مبارزه با آن و حمایت از سیاست‌های اصلاحی[2]درجهت عدم‌تحمل فساد و فرهنگ‌سازی در مورد آن در جامعه؛

ج- هدایت و مدیریت دولت در مبارزه با فساد در بخش‌های حاصل از مشارکت بخش دولتی- خصوصی[3] از طریق مباحثات نهادی[4]؛

د- کمک و راهنمایی در ایجاد ساختارها و نهادهای باثبات در مبارزه با فساد در مشارکت با دولت؛

ه- هموار نمودن همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با فساد از طریق نهادهای غیردولتی بین‌المللی مانند سازمان شفافیت بین‌الملل؛

و- استفاده از ظرفیت بالای شبکه‌های اجتماعی؛

ز- تأسیس نهادهای مدنی تخصصی در مبارزه با فساد.

1.Analysis of Corruption
2. Reformist Policies
3.Public-Private Partnership
4.Institutional Dialogue

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

۳- بررسی مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی در مورد نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد

۱-۳- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی برابر با ۱۳۸۲/۸/۹)

حقوق بین‌الملل در عصر پسامدرن با نوعی گذار روبه‌روست و با حرکت از حقوق دولت‌محور به‌سوی حقوق انسان‌محور درحرکت است و در حال پذیرش مشارکت انسان‌ها و اجتماعات آنها در فرآیند تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر اجراست. امروزه کمتر قلمرویی را در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌توان نام برد که مردم و جامعه مدنی خواهان مشارکت در فرآیند شکل‌گیری هنجارها و نظارت و اجرای آن نباشند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشارکت‌خواهی مردم در قالب جامعه مدنی، مبارزه با فساد است که در کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با فساد به رسمیت شناخته شده است (ابراهیم بیگ زاده, ۱۳۹۳).

در مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد عنوان شده است که«با ابراز نگرانی از وخامت، مشکلات و تهدیدات ناشی از فساد نسبت به «ثبات و امنیت جوامع»[1] که به سنتها و ارزشهای دموکراسی، ارزشهای اخلاقی و عدالت لطمه می‌زند و توسعه پایدار و حاکمیت قانون را به خطر می‌اندازد؛ همچنین با ابراز نگرانی درخصوص ارتباط بین فساد و سایر اشکال جرائم به‌ویژه «جرائم سازمان یافت و جرائم اقتصادی[2]» از جمله پولشویی[3]؛ همچنین با ابراز نگرانی بیشتر درباره موارد فساد که مقدار زیادی از ذخایر مالی را دربر می‌گیرد و سهم اساسی منابع کشورها را تشکیل می‌دهد و «ثبات سیاسی و توسعه پایدار»[4] آن کشورها را تهدید می‌کند؛ با اعتقاد به این‌که فساد، دیگر یک موضوع داخلی نیست؛ بلکه «پدیده‌ای فراملی»[5] است که بر تمامی جوامع و اقتصادها تأثیر می‌گذارد و همکاری بین‌المللی را برای جلوگیری و کنترل آن با اهمیت می‌نماید؛ همچنین با اعتقاد به این که نگرش جامع و چند زمینه‌ای برای جلوگیری و مبارزه با فساد به نحو مؤثری ضروری است؛ با اعتقاد به این‌که «کسب غیرقانونی ثروت فردی» به‌ویژه می‌تواند به نهادهای مردم‌سالار، اقتصادهای ملی و حاکمیت قانون ضربه بزند؛ با عزم جلوگیری،

1 .The Stability and Security Of Societies
2 .Organized Crime and Economic Crime
3 .Money laundering
4 .Political Stability and Sustainable Development
5 .Transnational Phenomenon

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

کشف و ممانعت مؤثر از« نقل و انتقال بین‌المللی دارایی‌هایی که به‌صورت غیرقانونی»[1] به‌دست آمده است و تحکیم همکاریهای بین‌المللی در جهت «بازگرداندن دارایی‌ها به کشور مبدأ»[2]؛ با اذعان به اصول اساسی فرآیند قانونی مقتضی در جریانات رسیدگی کیفری و رسیدگی‌های مدنی و اداری برای داوری درخصوص حقوق مربوط به اموال؛ با درنظر داشتن این موضوع که «پیشگیری و ریشه‌کنی فساد مسئولیت تمامی کشورها است»[3] و این‌که آنها باید با یکدیگر و با حمایت و دخالت افراد و گروههای خارج از بخش دولتی مثل «جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های «جامعه‌مدار»[6] همکاری کنند؛ البته چنانچه قرار باشد تلاش‌های آنها در این زمینه مؤثر باشد؛ با درنظر داشتن اصول مدیریت مناسب امور عمومی و اموال دولتی، عدالت، مسئولیت و برابری در برابر قانون و ضرورت حفاظت از یکپارچگی و شکوفا کردن فرهنگ رد فساد؛ با استقبال از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی در تاریخ ۲۹ سپتامبر (۲۰۰۳) میلادی ۱۳۸۲/۷/۷ هجری شمسی، مورد توافق قرار گرفت.

در واقع این کنوانسیون، مهم‌ترین قواعد برای مبارزه با فساد در سطح بین‌المللی تلقی می‌گردد و نقش جامعه مدنی را در مبارزه با فساد، در مقدمه و ماده (۱۳) خود به‌رسمیت شناخته است و با خطاب قرار دادن دولت‌ها مبنی بر افزایش شفافیت، ارتقای دسترسی مردم به اطلاعات، همچنین به ترویج و افزایش «سهم عمومی»[4] در فرایند تصمیم‌گیری دولتی اشاره و عنوان می‌کند که «هر کشور عضو، در چارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد تا شرکت فعالانه افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه‌مدار را برای جلوگیری و مبارزه با فساد، ارتقاء دهد و آگاهی عمومی را در رابطه باوجود، علل و شدت و تهدید فساد ارتقاء دهد.

به‌علاوه، در این کنوانسیون (ماده ۱۳) برای مشارکت و تقویت نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد اقداماتی از قبیل تقویت ارتقای شفافیت و مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، تضمین دسترسی مؤثر مردم به اطلاعات، انجام فعالیت‌های مربوط به اطلاع‌رسانی همگانی که به عدم تحمل فساد منجر می‌شود، برنامه‌های آموزشی مردمی ازجمله برنامه‌های درسی مدارس و

1 .Illegally Transferred Funds
2 .Return of Such Funds to The Countries of Origin
3. The Prevention and Eradication of Corruption Is A Responsibility of All States and That They Must Cooperate With One Another,
4.Public Contribution

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

دانشگاه‌ها، همچنین ارج نهادن، ارتقاء و حمایت از آزادی بیان جهت یافتن، دریافت، نشر و توزیع اطلاعات مربوط به فساد را مورد تأکید قرار داده است.

۲-۳- قوانین داخلی و مبارزه با فساد:

۱-۲-۳- قانون دسترسی شهروندان به اطلاعات

در بسیاری از کشورها حق دسترسی شهروندان به اطلاعات در مورد عملکرد حکومت، به‌صورت یک قانون درآمده است. قانون دسترسی شهروندان به اطلاعات نیز در بهمن‌ماه ۱۳۸۸ بعد از پیچ و تاب فراوان، توسط مجمع تشخیص مصلحت تصویب گردیده است؛ اما تا پنج سال بعد از تصویب قانون یادشده، آیین‌نامه مربوطه به آن تدوین نگردیده بود تا اینکه اجرای آن در هیأت‌وزیران دولت یازدهم در تاریخ آبان ماه ۹۳ بعد از ۵ سال تصویب شده است. چنین تأخیر در تدوین آیین‌نامه اجرایی این قانون، نشان از عدم استقبال بخشی از دولت از این قانون بوده است؛ درصورتی‌که بر اساس این قانون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، می‌بایست ظرف مدت سه ماه نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی این قانون اقدام می‌نمود. به نظر می‌رسد برای اجرایی شدن گردش آزاد اطلاعات در کشور باید ابتدا مقاومت موجود در نهادهای حکومتی برای انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات شکسته شود و با حاکمیت قانون، شفاف‌سازی و پاسخگویی، قانون دسترسی به اطلاعات با تصویب آیین‌نامه‌ای آن اجرایی گردد. امروز پاسخگویی بدون حاکمیت قانون و شفافیت امکان‌پذیر نیست و درحقیقت، عدم انتشار اطلاعات از عوامل مهم تولید رانت است.

در آسیب‌شناسی قانون آزادی دسترسی به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، می‌توان عنوان نمود که این قانون مربوط به کسب اطلاعات اشخاص از سازمان‌های دولتی است؛ درصورتی‌که می‌بایست اطلاعات مربوط به عملکرد سازمانهای حاکمیتی و عمومی را در اختیار اشخاص قرار می‌داد. با توجه به موارد عنوان‌شده و همین‌طور تأخیر ۵ ساله در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قانون دسترسی شهروندان به اطلاعات، به نظر می‌رسد بخش قابل‌توجهی از دولت‌های گذشته و حاکمیت، مخالف دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات بوده‌اند و بیشتر متمایل به تصمیم‌گیری‌های محرمانه و خارج از نظارت جامعه مدنی هستند و درحقیقت، تمایل زیادی برای دسترسی مردم از عملکرد خود را ندارند؛ به‌طوری‌که رویه آنان متمایل به اخذ تصمیمات به‌صورت غیرعلنی است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

۲-۲-۳-قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در فروردین‌ماه ۱۳۸۷ تصویب گردید؛ اما مجدداً به دلیل ایراد شورای نگهبان، در آبان ماه ۱۳۹۰ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. در ماده۱۰ این قانون مسئولیتی کلی برای جامعه مدنی جهت مبارزه با فساد به رسمیت شناخته‌شده و عنوان گردیده است که «وزارت کشور موظف است تمهیدات لازم را دربارهٔ توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینهٔ پیشگیری و مبارزه با فساد و سنجش شاخص‌های فساد با رعایت مصالح نظام و در چارچوب قوانین و مقررات مربوط فراهم آورد ...»؛ اما به نظر می‌رسد جامعه مدنی هنوز به‌صورت عملی، نقشی در مبارزهٔ زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد ندارد و از نظر رفتاری و ساختاری، هنوز با وضعیت معمول کشورهای درحال‌توسعه نیز فاصله بسیاری وجود دارد.

در ایران قوانین زیادی در مورد مبارزه با فساد از قبیل: قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با اخذ پورسانت، قانون مبارزه با اختلاس و ارتشاء، قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی، قانون منع تصدی بیش از یک شغل، قانون مجازات اسلامی در مورد مبارزه با فساد، قانون برگزاری مناقصات و... وجود دارد؛ اما سؤال اصلی این است که چرا با وجود قوانین زیاد مربوط به مبارزه با فساد در کشور ما، هنوز ایران موفقیت قابل‌توجهی در مبارزه با فساد ندارد؟ به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش مبارزه با فساد، چه از طریق ورود جامعه مدنی و چه از طریق نهادهای حاکمیتی؛ عدم‌اجرای قوانین و حاکمیت سلیقه‌های شخصی به‌جای حاکمیت و حکومت قوانین است. گویا مجلس شورای اسلامی، وظیفه خود را بیشتر تصویب قوانین جدید می‌داند تا نظارت بر اجرای مصوبات موجود؛ بنابراین، انبوهی از قوانین مفصل را در یک زمینه تصویب می‌نمایند که با آیین‌نامه اجرایی بر حجم آن‌هم افزوده می‌شود. سرعت کار معمولاً دقت را کاهش می‌دهد و در زمینه‌های تخصصی، منتهی به تصویب قوانین مجمل، متعارض و غیرشفاف می‌شود که در اثر موانع و ابهامات در مقام اجرا، هدف قانون‌گذار را برآورده نمی‌نماید. درنهایت، این کاستی‌ها امکان عمل خودسرانه مجریان قانون را فراهم نموده و موجب فساد می‌گردد.

۳-۲-۳- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی

در این قانون، در ماده ۱۱ عنوان گردیده است که: «سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند در مواردی از توان تشکل‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی، تخصصی، صنفی و مردمی به منظور انجام وظایف محوله بهره‌گیری نماید که به نظر می‌رسد توجه به چنین

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

اصل مهمی می‌تواند از لحاظ هنجاری، راه را برای ورود اشخاص حقوقی و حقیقی غیردولتی برای تحقیق و تفحص در مورد فساد مالی و همین‌طور مبارزه با فساد فراهم نماید.

٤- بررسی نقش جامعه مدنی در کشورهای ایران و کره جنوبی:

١-٤- بررسی آسیب‌شناسی دلایل فساد در ایران

در آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل، رتبه ایران در مبارزه با فساد در سال ۲۰۱۸، ۱۳۸بوده که نمره ۲۸ از ۱۰۰ را به دست آورده است؛ در صورتی که رتبه کره جنوبی در آمار این نهاد غیردولتی بین‌المللی، رتبه ۴۵ و نمره ۵۷ از ۱۰۰ را در بین ۱۸۰ کشور بررسی شده دارا بوده است. از دیدگاه برخی از پژوهشگران، دو علت اساسی در مورد فساد وجود دارد: علل ساختاری یا نهادی و علل فرهنگی- اجتماعی. علل نهادی یا ساختاری پیدایش فساد به مواردی از قبیل: اختیارات گسترده دولت، حساب‌کشی اندک و انگیزه‌های انحرافی در شاغلان بخش دولتی برمی‌گردد. در حقیقت، فساد در جایی پدید می‌آید که مقامات دولتی از اختیارات فراوان و امضاهای طلایی برخوردار باشند. علاوه بر علل ساختاری، علل اجتماعی از قبیل: تبعیت از علقه‌های شخصی و فامیلی به‌جای ضوابط، مشروعیت اندک دولت، سیطره طیف خاصی از نخبگان بر فرایندهای سیاسی و اقتصادی نیز در وقوع فساد مؤثر است(ربیعی، علی،ص.۱۰). علاوه بر موارد عنوان‌شده از دیدگاه نگارندگان این نوشتار، مهم‌ترین دلایل فساد اقتصادی در ایران را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

١-١-٤- اقتصاد رانتی و نفتی

در یک اقتصاد رانتی و نفتی؛ درآمدهای نفتی، موجب عدم پاسخگویی، سوءرفتارها و ناهنجاری‌های زیادی در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع به وجود خواهد آورد. این امر از راه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد؛ و از سویی، کنترل دولت بر نفت و در اختیار گرفتن آن به‌عنوان یک منبع رانت، می‌تواند موجب شود تا حکومتی قدرتمند با ساختاری گسترده به وجود بیاید و در مقابل آن، مردم؛ ضعیف و عمدتاً حقوق‌بگیر دولت باشند. منابع عظیمی که در اختیار دولت قرار می‌گیرد؛ امکان ایجاد تشکیلات طویل و عریض اداری را به دولت می‌دهد؛ درنتیجه رأی متمرکز دستگاه بوروکراسی وسیع قوه مجریه، حاکم بر سرنوشت جامعه می‌شود و به‌تبع آن، آزادی اقتصادی از بین می‌رود؛ ازاین‌رو، نظام متمرکز اداری موجب افزایش اعمال تصدی‌گری دولت و افزایش دخالت آن در اقتصاد و کاهش مشارکت مردم می‌شود که نهایتاً سبب تضعیف پاسخگویی و افزایش فساد

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

به دلیل دخالت دولت در اقتصاد خواهد شد. درآمدهای نفتی، دولت را قادر می‌سازد که سازوکارهایی نظیر مطبوعات آزاد و نهادهای مدنی که می‌تواند به‌گونه‌ای بر قدرت نظارت نمایند و مانع از گسترش فساد کلان و خرد شوند را حذف کرده و یا تضعیف نماید.

۲-۱-٤- نهادهای اقتصادی موازی و غیر پاسخگو

در کشور، نهادهای غیردولتی وجود دارند که از توان مالی و سرمایه‌ای زیادی برخوردار هستند؛ اما وابسته به دولت نیستند و به‌نوعی از امتیازات و رانت‌های اقتصادی بهره‌مندند. این نهادهای غیردولتی نسبت به عملکرد خود به هیچ نهاد نظارتی پاسخگو نیستند؛ به‌عنوان‌مثال، یکی از این نهادهای غیردولتی، بنیاد مستضعفان است که معافیت مالیاتی، انحصارات و امتیازات اقتصادی این نهاد را به توانمندترین واحد اقتصادی کشور مبدل ساخته است؛ به‌طوری‌که سهم این بنیاد در اقتصاد غیردولتی ایران، ۴۰ تا ۴۵ درصد برآورد می‌گردد که این امر از طریق فعالیت بنیاد در شش گروه اصلی ساختمان، کشاورزی، حمل‌ونقل، تجارت، توریسم و صنایع و معادن و با بیش از ۴۰۰ واحد بزرگ و کوچک اقتصادی صورت می‌گیرد(شریف شاهی، محمد،۱۳۸۵) یا برخی آمارها بیانگر وجود ۹۴ اسکله غیرقانونی در کشور است(اقتصاد ایرانی،۱۳۹۱) که اتخاذ این رویکرد تبعیض‌آمیز و برخی معافیت‌ها و استثنائات گوناگون که در قانون گمرکی و مقررات تجاری ایجاد شده، موجب افزایش تجارت غیررسمی و رشد قاچاق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق مفاسد مالی در سال‌های اخیر شده است. به طوری که در یکصد و دومین جلسه ستاد هماهنگی اقتصاد مقاومتی به ریاست رئیس‌جمهوری وقت تشکیل و گزارشی از وضعیت قاچاق کالا و اقدامات دستگاههای مسئول در مبارزه با قاچاق ارائه شد. رئیس‌جمهوری در این جلسه به ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ابلاغ کرد تا اقدام لازم و هماهنگ برای مقابله با اسکله‌های غیرمجاز انجام شود(فرارو، ۱۳۹۱).

۳-۱-٤- عدم وجود اراده قاطع سیاسی در مبارزه با فساد

در خیلی از موارد، برخی از مقامات درگیر رانت‌های موجود هستند؛ بنابراین، کسی که خود از رانت بهره‌مند است؛ مسلماً اراده‌ای واقعی در مبارزه با فساد از خود نشان نخواهد داد. در دولت دهم، معاون رئیس‌جمهور و رئیس ستاد مبارزه با مفاسد مالی به دلایل وقوع مفاسد مختلف اقتصادی، به ۵ سال زندان محکوم گردیدند؛ بنابراین، با دست‌های آلوده نمی‌توان با فساد مبارزه نمود؛ به‌طوری‌که دادستان کل کشور اراده مجری برای مبارزه با جرائم اقتصادی را از وضع قوانین جدید،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

مهم‌تر می‌دانند و عنوان می‌کنند که مجری آلوده نمی‌تواند با فساد مبارزه کند (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱).

٤-١-٤- عدم مشارکت جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد

با آنکه مبارزه با فساد در کشور به‌طور گسترده تبلیغ می‌گردد؛ اما به‌نظر می‌رسد که هنوز فرهنگ تأسیس جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد نهادینه نشده است و صرفاً نهادهای حکومتی، پرچم‌دار مبارزه با فساد هستند.آمارهای رسمی و حجم پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد که وقوع فساد در کشور به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. بر اساس نظر برخی از دولتمردان امروزی، مبارزه با فساد «بیشتر یک شعار انتخاباتی است»(ربیعی، علی، ۱۳۹۲) و جامعه مدنی نقش بسزایی در مبارزه با مفاسد مالی بر عهده ندارد و این نهادهای حکومتی هستند که وظیفه مبارزه با فساد را بر عهده‌دارند.

دولت‌ها معمولاً با گزارش‌های ناقص یا حساب‌های ساختگی، موقعیت‌های مالی واقعی را پنهان و یا غلط ارائه می‌نمایند؛ بنابراین، حضور جوامع مدنی به‌خصوص جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد، به‌عنوان ناظری اثرگذار بر اعمال قدرت خودسرانه دولت عمل می‌نماید(یزدانی زنوز،۱۳۸۴،ص۴۰). ازاین‌رو، در صورت عدم وجود نهادهای مدنی کارآمد و اثربخش و یا عدم به‌رسمیت‌شناختن نقش آنان توسط دولت، راه‌های نظارت مؤثر بر دولت، با استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی بسته خواهد شد؛ همچنین در صورتی حضور جامعه مدنی اثرگذار خواهد بود که دسترسی آزاد به اطلاعات در مورد عملکرد دولت وجود داشته باشد.

٥-١-٤- ضعف حکومت قانون، مقررات مبهم و دستگاه قضایی غیرمتخصص

حاکمیت و حکومت قانون یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب است که می‌تواند در مبارزه با فساد از اثرگذاری بسیاری برخوردار باشد. با توجه به اینکه وقوع هر فساد خود نقض قانون است؛ بنابراین، وقوع هرگونه نقض قانون نیز متقابلاً نوعی فساد محسوب می‌گردد؛ ازاین‌رو، چه در سطح مفاسد خرد و چه در سطح کلان با وقوع هر نوع فساد، قانونی نقض می‌شود؛ ازاین‌رو، در ادبیات حکمرانی خوب، حاکمیت قانون مستلزم چارچوب حقوقی منصفی است که به صورتی بی‌طرفانه اعمال گردد؛ از این‌منظر، اعمال و اجرای بی‌طرفانه قوانین، نیازمند قوه قضاییه مستقل و پلیس عاری از فساد و پاک دست است. بر اساس آمارهای سازمان شفافیت بین‌الملل، میزان حاکمیت قانون در ایران، ۲۰درصد و در کشور کره جنوبی، ۸۱ درصد و در کشور سنگاپور به‌عنوان پاک‌ترین

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

کشور آسیا،۹۳درصد است. در آمار دیگری که توسط نگارندگان این نوشتار در ارتباط با تأثیر حاکمیت قانون در مبارزه با فساد به‌دست‌آمده، نشان‌دهنده این است که هرچه میزان حاکمیت قانون در کشورها بیشتر باشد؛ مبارزه با فساد موفق‌تر خواهد بود. به‌عنوان‌مثال، میزان موفقیت در کنترل فساد در ایران ۲۰درصد، در کشور کره جنوبی ۶۹ درصد، و در کشور سنگاپور به‌عنوان پاک‌ترین کشور آسیا ۹۹ درصد است؛ بنابراین، هرچه حاکمیت قانون در سطح بالاتری باشد، مبارزه با فساد نیز موفق‌تر خواهد بود؛ همچنین برخورد مؤثر با فساد بدون دستگاه قضایی مستقل، بی‌طرف و متخصص درزمینهٔ مبارزه با فساد، امکان‌پذیر نیست؛ ازاین‌رو، بی‌طرفی و قاطعیت دستگاه قضایی در مبارزه با فساد و همین‌طور تعامل بیشتر با جامعه مدنی تخصصی در صورت تأسیس، می‌تواند این پدیده شوم را با چالشی اساسی مواجه نماید[۱].

٦-١-٤-دخالت دولت در اقتصاد

در اصل ۴۴ قانون تصریح گردیده است که «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است که بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است». درحقیقت، این اصل مبین این است که نه‌تنها دولت در اقتصاد دخالت دارد؛ بلکه حاکم شدن دولت در موارد عنوان شده را تصریح می‌نماید. در بحث نقش بخش خصوصی در اقتصاد عنوان شده است که «بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است». درحقیقت می‌توان گفت که حاکمیت بخش دولتی بر تعاونی و به‌خصوص بخش خصوصی کاملا مشهود است؛ در صورتی که در خود سیاستهای کلی اصل ۴۴، همچنین رویکردی را از لحاظ هنجاری، ساختاری و رفتاری به رسمیت نمی‌شناسید و این در صورتی است که قوانین ارگانیک، عادی و مقررات نمی‌تواند بر خلاف قانون

---

۱. ریاست وقت محترم قوه قضاییه، حضرت آیت‌الله آملی‌لاریجانی طی سخنانی در مراسم سی‌وسومین سالروز تاسیس سازمان بازرسی کل کشور با انتقاد از بزرگ‌نمایی فساد توسط برخی رسانه‌ها و پیگیری آنها در مبارزه با فساد تصریح نموده‌اند که: « به دادستان تهران دستور دادم رسانه‌هایی که اخبار مفاسد را بزرگنمایی می‌کنند تعقیب کند» (خبر آنلاین, ۱۳۹۳).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

اساسی باشد[۱]. در صورت اصلاح قانون اساسی و با نظر به اهمیت خصوصی‌سازی واقعی و اهمیت دولت ناظر و کوچک در توسعه اقتصادی می‌توان این تحلیل را ارائه داد که در اقتصاد کارآمد واثربخش و مردم‌محور، این دولت است که باید مکمل بخش خصوصی باشد و معنی این دقیقا همان نهادینه شدن دولت محدود و کوچک از لحاظ هنجاری، ساختاری و رفتاری است.

۷-۱-٤- دولت بزرگ

واقعیت این است که براساس تجربه‌های موجود که مهم‌ترین نوع آن، اتحاد جماهیرشوروی سابق است؛ دولت بزرگ به دلیل هزینه‌های بالای نگهداری خود موجب ناکارآمدی و عدم اثربخشی می‌گردد. درحقیقت، این ناکارآمدی به دلیل ضعف نظارت، مهم‌ترین عامل گسترش فساد به دلیل حاکمیت اقتصاد دولتی و دولت بزرگ است (زیباکلام،صادق، ۱۳۹۴). بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۴، حدوداً ۷۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است و چنین مدل اقتصادی، یکی از مهم‌ترین دلایل مفاسد مالی است(اسلامیان، محمود، ۱۳۹۲). به‌عنوان‌مثال، در کشوری صنعتی مانند ژاپن به‌عنوان سومین اقتصاد دنیا، در حدود۳۳۰ هزار کارمند و در آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا، تنها ۸۰۰ هزار کارمند در دولت مشغول به کار هستند؛ درصورتی‌که در ایران با جمعیتی حدود یک‌چهارم آمریکا و یک‌دوم ژاپن، تعداد کارمندان حقوق‌بگیر دولت در بخش اجرایی در حدود ۳۹۸۵۴۸۸ نفر می‌باشد.

۸-۱-٤-عدم برخورد علمی با فساد

در بحث آسیب‌شناسی مبارزه با فساد در ایران می‌توان عنوان نمود که مرکز علمی که افکار مختلف در مورد مبارزه با فساد را به خود جلب نماید، وجود ندارد و به نظر می‌رسد در سطح دانشگاههای دولتی و دانشگاهها و مراکز علمی غیردولتی، مرکز مطالعاتی تخصصی که با مشارکت جامعه مدنی، نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و دولت در مورد آسیب‌شناسی فساد فعالیت نماید، وجود ندارد؛ هرچند در دانشگاه علوم قضایی، واحدهای درسی دانشگاهی راجع‌به فساد در مقطع تحصیلات

---

۱. با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاستهای ابلاغی آن در حال حاضر بانکها، بیمه‌ها و شبکه تلفنهای خصوصی در کشور تأسیس شده‌اند؛ این در صورتی است که در قانون اساسی چنین موردی به‌رسمیت شناخته نشده است. تحلیل شخصی نویسند بر این رویکرد استوار است که در صورت به‌رسمیت شناختن بانکها، بیمه‌ها و شبکه تلفنهای خصوصی و دیگر موارد، براساس اصل حاکمیت قانون صحیح این بود که در ابتدا اصل ۴۴ قانون اساسی اصلاح می‌گردید و سپس نسبت به تاسیس نهادهای خصوصی ذکر شده اقدام می‌گردید؛ تا این سوءتفاهم در مورد نقض قانون اساسی توسط قوانین ارگانیک و عادی نتوانند جلوه‌گر شوند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

عالی ارائه می‌گردد و نیز مطالعات قابل‌توجهی در مورد فساد در دستگاه حاکمیتی مانند سازمان بازرسی کل کشور انجام شده است؛ اما به نظر می‌رسد از لحاظ هنجاری، ساختاری و مهم‌تر از همه از نظر رفتاری، موثر و کارآمد نبوده است. در شرایطی که فساد یک مسأله اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و حتی امنیتی در ایران امروز است؛ در حال حاضر حتی دو واحد درسی در مورد فساد در دانشگاه‌های دولتی به جز مورد اشاره شده ارائه و تدریس نمی‌گردد؛ بنابراین، کارهای پژوهشی قابل‌توجهی در مورد فساد انجام‌نشده است و عملاً موضوع مبارزه با فساد مبنای علمی پیدا نمی‌کند؛ به‌طوری‌که تنها تعداد معدودی مطالعه صورت گرفته است.

۹-۱-٤- عدم شفافیت مالی در نظام انتخاباتی

یکی دیگر از مهم‌ترین بسترهای بروز فساد، فعالیت‌های سیاسی و رقابت‌های انتخاباتی است. در دموکراسی‌های کنونی که مبتنی بر نمایندگی است؛ گروه‌های سیاسی برای اهدافشان ناگزیرند حمایت مردم را به خود جلب نمایند؛ حمایتی که در انتخابات تجلی می‌یابد. در انتخابات اخیر در ایران، هزینه هنگفتی صرف تبلیغات شده است که نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. در بررسی قوانین و مقررات مربوط به تأمین هزینه‌های مالی فعالیت‌های انتخاباتی، آسیب‌های اساسی وجود دارد و چنین به نظر می‌رسد که کشور در زمینهٔ قوانین و مقررات تأمین مالی، انتخابات هنوز از ضعف‌های اساسی برخوردار است و یا هنوز در این زمینه، قوانین و مقرراتی که با تجربیات جهانی درخور مقایسه باشد، به تصویب نرسیده است. آنچه مسلم است دارایی شخصی کاندیدا، جوابگوی هزینه سرسام‌آور انتخابات نیست و افراد ثروتمند با تأمین هزینه‌های کاندیداهای موردنظر خود، بر انتخابات تأثیر می‌گذارند و آرای عمومی را به سمت افراد و گروه‌های موردنظر خود سوق می‌دهند و متأسفانه تجربه در کشور نشان داده است که فرد یا حزب مذکور پس از انتخابات، تبدیل به کارگزار منافع کمک‌کنندگان شده است؛ یعنی اینکه در مقابل کمکی که دریافت می‌نماید؛ متعهد به تأمین منافع نامتعارف در قالب مصوبات تقنینی برای طرف مقابل می‌گردد و یا اینکه از اعمال‌نفوذ فرد منتخب (که خود نوعی از فساد کلان می‌باشد)؛ برای جبران هزینه‌های انتخاباتی، امتیازات ویژه‌ای در قالب مجوزهای گوناگون به شخص حامی واگذار می‌گردد. نگاهی گذرا به حجم اندک مقررات انتخابی ایران کافی است تا به‌سرعت دریابیم که نظام حقوقی کشور ما در زمینه شفاف‌سازی و هزینه‌های انتخاباتی بسیار فقیر و نارساست و کمک‌های انتخاباتی از طرف هر کس و به هر مقدار باشد، ثبت نمی‌شود و درنهایت از محدودیت و حسابرسی و عایدات و مخارج انتخاباتی خبری نیست. در طول یک‌صد سال سابقه کار مجالس قانون‌گذاری، قوانین

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

مربوط به انتخابات بارها اصلاح‌شده است؛ اما نکته تأمل‌برانگیز این است که نظارت بر هزینه‌های مذکور هرگز موضوع این اصلاحات نبوده است(عابدی، سعید،۱۳۸۷،ص۷۶-۶۶).

۲-٤-کشور کره:

۱-۲-٤- بررسی قانون آزادی اطلاعات و اصلاحات اداری در کره جنوبی

در کشور کره جنوبی، جامعه مدنی از کارآمدی و اثربخشی قابل توجهی برخوردار است؛ به‌طوری که غیرمستقیم در قانون‌گذاری در مورد فساد و افزایش شفافیت در نهادهای حاکمیتی، کارآمدی و اثربخشی خود را اثبات کرده است. قانون دسترسی به اطلاعات یکی از فهرست‌های اصلاحی جامعه مدنی «اتحاد برای عدالت اقتصادی»[1] در زمان انتخابات رئیس‌جمهوری در سال ۱۹۹۲ بود (CCEJ, 1994). اگرچه هیچ حزب سیاسی و یا سیاستمداری قبلاً چنین پیشنهادی را ارائه نداده بود؛ نهاد مدنی «اتحاد برای عدالت اقتصادی»، کاندیداهای اصلی را متقاعد کرد که در صورت انتخاب، قانون دسترسی به اطلاعات را تصویب نمایند.

برخلاف وعده رئیس‌جمهور کیم یانگ سام، درحقیقت تبدیل این پیشنهاد به قانون، کار آسانی قلمداد نمی‌شد. نهاد مدنی «اتحاد برای عدالت اقتصادی»، کتابی را با عنوان «جامعه باز، اطلاعات باز»[2] در سال ۱۹۹۴ منتشر کرد و از مجلس قانون‌گذاری خواست که قانون آزادی اطلاعات را تصویب کند. سرانجام، قانون آزادی اطلاعات در ۳۱ دسامبر۱۹۹۶ مورد تصویب قرار گرفت و در اول ژانویه ۱۹۹۸ اجرایی گردید؛ اگرچه این قانون راه گریز فراوانی از قبیل استثنائات خیلی زیاد برای افشای اطلاعات داشت. به علاوه در اوایل اجرای قانون، خیلی از بخش‌های دولت غالباً از دادن اطلاعات درخواستی بدون هیچ توجیه قانونی سرباز می‌زدند؛ بنابراین نهادهای مدنی «ائتلاف شهروندان برای عدالت اقتصادی»[3] و اتحاد مردم برای دموکراسی مشارکتی[4] علیه این نهادهای دولتی درخواست دعوی ارائه دادند.

یکی دیگر از کمپین‌های موفقیت‌آمیز نهاد مدنی «ائتلاف شهروندان برای عدالت اقتصادی»، [5]«قانون آیین دادرسی اداری»[6] بود که در سال ۱۹۹۷ در جهت ارتقا و استحکام «آیین دادرسی

1. Coalition for Economic Justice (CCEJ)
2. Open Society, Open Information
3. Coalition for Economic Justice (CCEJ)
4. People's Solidarity for Participatory Democracy (PSPD)
5. Coalition for Economic Justice (CCEJ)
6. Administrative Procedures Act

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

اداری شفاف و دموکراتیک»[1]مورد تصویب قرار گرفت. در باب قانون دسترسی به اطلاعات؛ هر دو کشور کره و ایران، قانون دسترسی به اطلاعات را تصویب کرده‌اند؛ اما در حالی که کشور کره جنوبی در سال۱۹۹۶ آن را با کمک جوامع مدنی و نهادهای غیردولتی تصویب و در سال ۱۹۹۸ آن را اجرایی نموده است؛ قانون دسترسی اطلاعات در ایران نیز در سال۱۳۸۸ به تصویب رسید و در همان سال توسط دولت دهم ابلاغ شد؛ ولی آیین‌نامه اجرایی آن توسط دولت وقت تهیه و تصویب نگردید و به‌نوعی دیگر، آیین‌نامه اجرایی این قانون برای اجرا تا آذرماه ۱۳۹۳ تکمیل نگردید. بر اساس رویه‌های موجود، وقتی قانونی به مرحله اجرا نزدیک می‌شود که آیین‌نامه اجرایی آن تکمیل شود و چنین نقیصه‌ای مانع از اجرای این قانون در زمان مقرر گردید. در صورتی که براساس قانون وزارت فرهنگ باید ظرف سه ماه از تصویب قانون نسبت به تهیه آیین‌نامه‌های مربوط به این قانون اقدام می‌نمود. به نظر می‌رسد بخشی از دولت از لحاظ رفتاری در اجرای این قانون از خود مقاومت نشان می‌دادند و رغبتی اساسی در مورد اجرای این قانون وجود نداشته است(براتی، امیر نظام، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹).

در کشور کره جنوبی، به‌محض آغاز به کار دولت درزمینهٔ ادامه اصلاحات با هدف مهار فساد، حضور مردم نیز به دلیل وجود تشکل‌های جامعه مدنی از قبیل "CCEJ" ,"PSPD" [2]و نمایندگی شفافیت بین‌الملل افزایش پیدا نموده است؛ به‌طوری‌که این کشور در مبارزه با فساد با تعامل و فعالیت بخش خصوصی جامعه مدنی و دولت توانسته است رتبه ۴۵ را در مبارزه با فساد به دست بیاورد. در این کشور، سازمان‌های مردم‌نهاد مختلفی در مبارزه با فساد در حال انجام‌وظیفه هستند که در زیر به‌اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۲-۲-٤- بررسی اجمالی نهادهای مدنی در مبارزه با فساد:

الف- بررسی نهاد ائتلاف مردم در مبارزه برای عدالت اقتصادی (CCEJ)

با توجه به حاکمیت دیکتاتوری نظامی در کشور کره جنوبی، تا سال ۱۹۸۰ فعالیت نهادهای مدنی با محدودیت‌ها و فشار مضاعفی مواجه بود؛ تا اینکه سرانجام با فشار مردم، این حاکمیت بعد از سه دهه خاتمه پیدا نمود؛ اما باوجود این اتفاق خوشایند، مشارکت جامعه مدنی در جهت تأسیس نهادهای مردم‌نهاد در اواخر دهه ۱۹۸۰ به مرحله ظهور رسید (Peoplepower21, 2011).

1. Transparent and democratic administrative procedures
2. PSPD: People's Solidarity for Participatory Democracy , CCEJ: Citizens' Coalition for Economic Justice

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

قبل از آنکه نهاد مدنی «ائتلاف شهروندان برای عدالت اقتصادی» تأسیس گردد؛ هیچ نهاد مدنی در مورد مبارزه با فساد وجود فعالیت نداشت. این نهاد مدنی در سال ۱۹۸۹ توسط برخی از اساتید اقتصاد و دیگر متخصصان از قبیل: وکلای دادگستری، افراد مذهبی، زنان خانه‌دار، دانشجویان، و جوانان، در فضایی که زندگی شهروندان به دلیل سوداگری بنگاه‌های مسکن[۱]، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی با تهدید مواجه شده بود، تشکیل شد. شعار این جامعه مدنی تخصصی، رسیدن به عدالت اقتصادی از طریق قدرت مردم هست[۲]. شایان ذکر است که یکی از وظایف اصلی این نهاد مدنی تخصصی، مبارزه با فساد می‌باشد که بعد از سال ۲۰۰۴، تحت نام مرکز حقوقی شهروندان به فعالیت خود در مبارزه با فساد ادامه داده است. این مرکز در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی طبقات محروم و منافع آنان فعالیت می‌نماید؛ همچنین کمپین‌هایی را علیه تجارت ناعادلانه ناشی از مشکلات ساختاری و انحصاری و قراردادهای ناعادلانه در جهت مبارزه با فساد برگزار می‌نماید.

ب- نهاد «همبستگی مردم برای تأسیس دموکراسی مشارکتی»

این نهاد مدنی در سال ۱۹۹۴ توسط یک پژوهشگر و وکیل دادگستری که در زمان دیکتاتوری نظامی، در جنبش‌های مختلف دموکراسی‌خواهی مشارکت داشت، با ۲۰۰ عضو تشکیل گردید. این نهاد مردمی تلاش نموده تا فضای جدیدی از دموکراسی مشارکتی را برای مردم عادی ایجاد نماید و توانست زمینه مشارکت آنان را در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نهادینه نماید. در حقیقت این نهاد مدنی تخصصی این امکان را برای مردم به وجود آورد که مانع از سوءاستفاده دولت از قدرت و اختیارت خود شود. به علاوه فعالیتهای این نهاد مدنی مانع از اعمال‌نفوذ شرکت‌ها در قدرت سیاسی و تسخیر دولت گردید؛ به طوری که از طریق نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، باعث ارتقای شفافیت گردیده و آگاهی مردم را افزایش داده است و قدم‌های اثرگذاری را در جهت مبارزه با فساد و استقرار جامعه‌ای پاک علیه ناقضان قانون و مفسدان مالی، اداری و سیاسی برداشته است. ازاین‌رو، این نهاد در نهم ژانویه سال ۱۹۹۶، مرکز اقدامات اجتماعی شفاف را با هدف نیل به سمت جامعه‌ای پاک‌تر و بهتر دایر نموده است. در سال ۱۹۹۶، این مرکز مردم‌نهاد، با مدیریت یک وکیل دادگستری به نام «کیم چانگ-کوک»

---

۱. به عنوان مثال، این نهاد مدنی در مورد مبارزه و جلوگیری از زمین‌خواری، فعالیتهای زیادی نموده است و عنوان می‌کند که زمین صرفا باید برای تولید و زندگی استفاده گردد و نباید از آن به عنوان ابزاری برای افزایش نامشروع دارایی استفاده گردد.

2. Let’s achieve economic justice through citizens’ power.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

تلاش خود را بر تصویب قانون مبارزه با فساد متمرکز نمود؛ همچنین مواردی همچون برگزاری جلسه غیررسمی، تلاش برای جمع‌آوری امضا در بین نمایندگان مجلس و درخواست برای بررسی و تصویب این قانون را ارائه داد. درنهایت، این قانون پس از ۵ سال کوشش در ژوئن سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید. شایان ذکر است مبارزه با فساد قبل از تصویب این قانون از طریق مجاری قانونی همچون دادستانی، پلیس و هیأت بازرسی و نظارت صورت می‌گرفت. در تصویب این قانون، نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد، بسیار پررنگ‌تر از یک گروه سیاسی بوده است. این نهاد مدنی از سال ۲۰۰۴ از مشاوره شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برخوردار گردیده است.

در حال حاضر، روزبه‌روز نقش اثرگذار این نهاد مردمی گسترده‌تر می‌گردد؛ به‌طوری‌که این جامعه مدنی فعالیت‌های نظارتی خود را که در ابتدا به بررسی و نظارت بر رقابت‌های انتخابی سهامداران اقلیت فرست بانک[1] متمرکز بود؛ بعد از آن، فعالیت‌های نظارتی خود را به شرکت‌های بزرگی چون سامسونگ، هیوندا، شرکت مخابراتی SK و شرکت صنایع سنگین هیوندا گسترش داده است و با انتشار گزارش سالانه خود، این شرکت‌ها را تشویق به شرکت در فرایند حکمرانی مشارکتی در مبارزه با فساد می‌نماید. این موسسه مدنی در حال حاضر جلودار مبارزه با فساد و نماد حکمرانی مشارکتی جهت مبارزه با فساد قلمداد می‌گردد. فعالان این موسسه همچنین تأثیرات قابل‌توجهی در افزایش شفاف‌سازی بین فعالیت‌های بازرگانی و روابط سیاسی برجای گذاشته‌اند. به‌طورکلی، اصول مالی این نهاد مدنی بر سه محور استوار است:

۱- منبع اصلی درآمد این نهاد از طریق پرداخت حق عضویت اعضاست؛

۲- این موسسه هیچ‌گونه کمک دولتی را نمی‌پذیرد؛

۳- استقلال مالی اولویت این نهاد، مبارزه با فساد است.

درنهایت اینکه، ۱۳۱۵۴ عضو این نهاد مدنی به صورت ماهانه حق عضویت خود را پرداخت می‌نمایند و ۵۴ عضو این نهاد مدنی از سال ۲۰۱۳ به صورت تمام وقت مشغول به همکاری در جهت اساس‌نامه این نهاد مدنی هستند.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروزی، دامنه فعالیت اقتصادی و مراودات مالی و پولی چنان پیچیده و گسترده شده که نظارت بر آن بدون مشارکت بازیگران جامعه مدنی و غیر دولتی امکان‌پذیر نیست. با توجه به

1. First Bank

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

اینکه فساد یک پدیده فراگیر، پیچیده اجتماعی، سیاسی،اقتصادی و حتی امنیتی است؛ مبارزه با آن نیز باید به صورت همه‌جانبه و از طریق تمام بازیگران موجود در جامعه صورت پذیرد. در مبارزه با فساد عوامل مختلفی از قبیل: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی نقش دارند؛ اما درحقیقت جامعه مدنی می‌تواند نقش اثرگذاری در مبارزه با فساد داشته باشد.

امروز در کشور کره جنوبی، جامعه مدنی از قبیل: «همبستگی مردم جهت تأسیس دموکراسی مشارکتی» و «نهاد ائتلاف مردم در مبارزه برای عدالت اقتصادی» از نهادهای مدنی و غیردولتی فعال در زمینهٔ مبارزه با فساد در این کشور منطقهٔ جنوب شرق آسیا هستند. در حال حاضر، مبارزه با فساد در نظام جمهوری اسلامی ایران و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مورد پیشگیری و مبارزه با آن، صرفاً از طریق نهادهای حکومتی صورت می‌گیرد؛ هرچند قوانین، مسئولیت‌هایی را به نهادهای مدنی واگذار نموده‌اند؛ اما از لحاظ رفتاری و عملی در مقایسه با کشورهای جنوب شرق آسیا، به‌خصوص کره جنوبی فاصله زیادی وجود دارد و اصولاً نهادهای تخصصی مبارزه با فساد نه‌تنها نقشی ندارند؛ بلکه هنوز خبری از تأسیس و فراگیرشدن چنین نهادهای تخصصی وجود ندارد.

بنابراین مشارکت جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در بخش‌های دولتی و عمومی می‌تواند مبارزه با فساد را از کارآمدی و اثربخشی قابل قبولی برخوردار نماید و آن را به نتیجه موردنظر برساند. در حال حاضر، عدم حضور نهادهای میانجی و به‌طورکلی جامعه مدنی تخصصی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای مبارزه با فساد، یک آسیب اساسی به شمار می‌آید و ضروری است بر اساس ماده۱۳ قانون کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با فساد و ماده ۱۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، از لحاظ ساختاری و رفتاری نیز جامعه مدنی در مبارزه با فساد تأسیس گرددد تا با تعامل این نهادهای مردمی با دولت و بخش خصوصی، مبارزه واقعی و فرهنگ‌سازی برای به چالش کشیدن فساد در کل جامعه نهادینه گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

فهرست منابع

منابع فارسی

الف- کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها:

۱. المعانی، فرهنگ لغت (۲۰۱۴)، قابل دسترسی در سایت :
https://www.almaany.com/fa/dict/ar- fa:

۲. براتی، امیرنظام (۱۳۹۸)، حکمرانی خوب و مبارزه با فساد، تهران: انتشارات مجد.

۳. خطیه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷)، فساد مالی علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران: انتشارات فردوس.

۴. دهخدا، فرهنگ لغت (۱۳۹۳).

۵. ربیعی، علی(۱۳۸۳)، خلاصه کتاب زنده باد فساد، قابل دسترسی در سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

٦. شریف‌شاهی، محمد (۱۳۸۵)، نقش و تاثیر حاکمیت بر مالیه عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۷. عابدی، سعید (بی‌تا)، ارزیابی کارآمدی مقررات داخلی در مبارزه با فساد مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.قابل دسترسی در
http://library.sbu.ac.ir/islandora/object/thesis%3A25817.

۸. فرج‌پور، مجید (۱۳۸۳)، فقر، فساد و تبعیض، موانع توسعه در ایران، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

۹. مرکز مالمیری، احمد، زارعی، محمد حسین (۱۳۸۵) حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشتها، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

۱۰. وینای بارگاوا، امیل بلون گیتا، مترجمین: دیهم، علیرضا و عظیم بیک، حسین (۱۳۸۹)، چالشهای فساد در آسیا، تهران: زمان نو.

۱۱. یزدانی زنوز، هزمز (۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

ب- مقالات فارسی

۱۲. بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۳)، نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد، همایش کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با فساد.

ج- فهرست سایت‌ها

13. www.icana.ir/Fa/News/216547

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

14. www.khabaronline.ir/detail/380168
15. www.tabnak.ir/fa/news/504073
16. ww.nezarat.gov.ir./
17. www.hamshahrionline.ir/details/5997/world/europe.
18. www.ireconomy.ir/fa/page/778/.
19. www.transparency.org/topic/detail/accesstoinformation
20. www.peoplepower21.org/English.

د- مصاحبه

۲۱. ربیعی، علی (۱۳۹۲)، گفت‌وگو پیرامون جامعه‌شناسی فساد (مصاحبه‌کننده: مهرجو، بهراد) تهران.

فهرست منابع لاتین

22. 1-The Role of the World Bank. (1997), Helping Countries Combat Corruption. The World Bank.
23. 2- ABD/OECD. (2004), Anti-Corruption Policies In Asia and Pacific available.
24. 3- ADB/OECD . (2003), Active Public Involvement ,Public Scrutiny and Access to Information,Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific.
25. 4-Ampratwum, E. F. (2008), The fight against corruption and its implications for development in developing and transition economies. Journal of Money Laundering Control.
26. 5-AnwarShah, S. M. (2004), Combating Corruption: Look Before You Leap, A lack of progress in eradicating corruption could be due to misguided strategies ,. World Bank, finance and development department.
27. 6-Burger, E. S, (2006), Why the private sector is likely to lead the next stage in the global fight against corruption.
28. 7-Center For The studyOf Democracy, (2005), Anti corruption Reforms in Bulgaria, civil society against corruption.
29. 8-CleanGovbiz, (2013),Civil society empowerment. From This work is published on the responsibility of the Secretary-General of the OECD.
30. 9- Eigen, P. (2002), Measuring and combating corruption. The Journal of Policy Reform .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

31. 10-ESCAP, U, (2006), What is good governance?. United Nations. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
32. 11-Fitzwilliam, E. F. (2o11), The fight against corruption and its implications for development in developing and transition economies,. Journal of Money Laundering Control, University of Cambridge, Cambridge.
33. 12-Fitzwilliam, E. F. (2008), The fight against corruption and its implications for development in developing and transition economies. Journal of Money Laundering Control.
34. 13- UNODC (2010), UNODC's Action against Corruption and Economic Crime.
35. 14-Huguette Labelle, (2012), A Speech bout The Role of Civil Society in the Fight Against Corruption. . Santo Domingo.
36. 15-International Transparency, (2015), Access to information.
37. 16-International Transparency, (2015), Iran report.
38. 17-Jooyoung Kim, Joongi Kim, (2001), Shareholder Activism in Korea: A Review of How PSPD Has Used Legal Measures to Strengthen Korean Corporate Governancet. Journal of Korean Law.
39. 18-New Tactics. (2012), Empowering Citizens to Fight Corruption. Retrieved 2012 -from newtactics.org:
40. 19-OECD. (2003), Fighting Corruption What Role For Civil Society? The Experience of The OECD.
41. 20-OECD, A, (2001), Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific ,Active Public Involvement in the Fight against Corruption.
42. 21-Secretary-General of theOECD. (2003). Fighting Corruption What Role For Civil Society? The Experience Of The OECD.
43. 22-Shah, A. a. (2004). "Combating corruption: look before you leap, Finance and Development.
44. 23-unodc. (2104). United Nations Economic and Social Commission, What is Good Governance?
45. 24-UNODC. (2012). UNODC's Action against Corruption and Economic Crime, Countering corruptionby promoting transparency, integrity and accountability and by advancing equality, justice and development.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]

46. 25-VitoTanzi, H. D. (1997). Corruption, Public Investment, and Growth. IMF Working Paper.
47. 26-World Bank. (2014). Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.57]